

برنامه بازسازی صنایع

باید جلوی اتلاف منابع را بگیرد

اشاره:

پویایی رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال مولد، رشد درآمدهای ارزی حاصل از صدور کالا و خدمات غیرنفتی و در یک کلام، نوسازی اقتصاد ایران، به اصلاح و بازسازی بخش صنعت و معدن کشور بستگی دارد. بخشی که بتواند با ایجاد ارزش افزوده بالاتر و مشاغل جدید، کمک بسزایی به رونق اقتصاد صادرات گرا بکند.

لایحه بازسازی و نوسازی صنایع کشور به زودی در اختیار مجلس شورای اسلامی برای بررسی و تصویب قرار می گیرد. آنچه تاکنون در خصوص محورهای این لایحه بیان شده، گواه بر ضرورت انجام نوسازی صنایع و حمایت از صنایع پیشرو است و در این زمینه نه تنها دولت، بلکه بخش خصوصی، نظام بانکی و بازار سرمایه می بایست نقش اصلی خود را در تأمین مالی طرح نوسازی صنایع ایفا کنند. اما نوسازی صنایع بدون توجه به امر مشتری سالاری و تقاضا (در بازارهای داخلی و خارجی) نمی تواند چندان موفقیت آمیز باشد، بلکه ممکن است موجبات اتلاف منابع و از دست رفتن فرصت های سرمایه گذاری در بخش های مزیت دار را فراهم سازد. بنابراین بررسی عمیق موضوع بازسازی صنایع و نحوه انجام آن حایز اهمیت است.

خبرنگار نشریه «بررسی های بازرگانی» در گفت و گو با آقای دکتر بایزید مردوخ، مشاور رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ضرورت انجام بازسازی صنایع، نحوه تأمین مالی و اجرای بازسازی، صنایع اولویت دار برای بازسازی و مشارکت چویی در عرصه بین المللی به ویژه در جذب فناوری و سرمایه را مورد بحث قرار داد. ماحصل این گفت و گو را با هم می خوانیم.

■ وضعیت صنایع ایران را چگونه

ارزیابی می کنید؟

بازسازی صنایع ایران به تأخیر افتاده است. اقدام به بازسازی صنعت کشور می بایست حدود ۲۰ سال پیش انجام می شد که در اثر جنگ تحمیلی و دیگر مسایل به تأخیر افتاده است.

جای امیدواری است که وزارت صنایع به دلیل قانون جدید ادغام دو وزارتخانه صنعتی و معدنی و الزامات

قانون برنامه سوم توسعه، مکلف شد بازسازی صنایع را در دستور کار خود قرار دهد.

در بیان وضعیت کنونی صنایع باید اشاره کرد که حدود ۳۰ سال است در این زمینه سرمایه گذاری جدید صورت نگرفته. فناوری مورد استفاده در اکثر واحدهای صنعتی قدیمی است و بسیاری از ماشین آلات و حتی ساختمان ها مستهلک شده اند.

در برخی صنایع که در ده سال اخیر احداث شده اند، تا حدودی فناوری های تازه به کار گرفته شده است و آنها قادر به ادامه فعالیت هستند. اما به آن معنا نیست که صنایع برخوردار از فناوری نوین (تکنولوژی بر) احداث شده، بلکه این صنایع در دل صنایع سنتی ایجاد شده و برای آنها ماشین آلات نو یا دست دوم به طور عمده از بازارهای جهانی خریداری و نصب شده است.

■ به نظر شما بازسازی صنایع از چه ابیادی ضروری است؟

□ جدا از فناوری و ماشین آلات که نیاز به بازسازی و نوسازی دارد، وجه دیگری از صنعت کشور که مدیریت و ساختار مدیریتی آن است، نیز نیاز به نوسازی دارد.

در این زمینه در طول ۲۳ سال اخیر، کار قابل توجهی صورت نگرفته است و مدیریت واحدهای صنعتی کشور، همچنان سنتی است، به طوری که بخش سنتی بازار نقش مهمی در اداره واحدهای صنعتی ایفا می‌کند. البته ۳۰۰ تا ۴۰۰ واحد صنعتی که وارد بورس اوراق بهادار شده‌اند، وضع دیگری دارند و در معرض قضاوت مردم، بازار و سهامداران قرار گرفته‌اند. وضعیت این صنایع تا حدودی روشن‌تر و شفاف‌تر است، اما بقیه واحدهای صنعتی ایران همچنان به شیوه سنتی و بدون آرایه اطلاعات دقیق به علاقه‌مندان و مشتریان فعالیت می‌کنند. در نتیجه بخش مدیریتی صنعت کشور نیز نیاز مبرمی به نوسازی دارد.

به تبعیت مدیریت سنتی، سازماندهی و تشکیلات واحدهای صنعتی نیز سنتی است. این سازماندهی در بسیاری موارد مطابق و منطبق با زمانه نیست و یکی از موانع پیشرفت صنعتی است. مشکل سازماندهی و تشکیلات سنتی، زمانی بیشتر به چشم می‌آید که یک صنعت بخواهد وارد بازار جهانی شود و با واحدهای صنعتی مشابه در سطح بین‌المللی به رقابت برخیزد.

مورد دیگری که ضرورت بازسازی را هر چه بیشتر مطرح می‌کند، موضوع ساختار مالی واحدهای صنعتی است. ساختار مالی

واحدهای صنعتی به گونه‌ای است که کمتر از بازارهای نوین سرمایه و سهام استفاده می‌کنند. البته در این زمینه شاید اشکال از صنعت نباشد، بلکه توسعه نیافتگی بازارهای سرمایه این مشکل را ایجاد کرده است.

ساختار مالی و واحدهای صنعتی نیاز مبرمی به اصلاح دارد. در بیشتر واحدهای صنعتی اتکا به آورده صاحبان سهام، کم است و بخش اعتبارات و وام در ترکیب سرمایه شرکت‌های صنعتی نقش اصلی را دارد.

در این واحدها نسبت سهام فروش رفته به افراد حقیقی و حقوقی غیرمؤسسين کم است. شرکت‌های صنعتی تأکید دارند که سهام و سرمایه آنها از یک محدوده معین خارج نشود، به دیگر سخن آنها علاقه‌مند هستند سهام و سرمایه‌شان در اختیار تعداد معینی افراد که به طور عمده مؤسسان شرکت هستند، باشد.

محیط پیرامونی واحدهای تولیدی و صنعتی را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. محیط پیرامونی این صنایع از قوانین و مقررات و نهادها تشکیل شده است. قوانین و مقررات در برخی موارد با فعالیت‌های صنعتی امروزی سازگار نیست و این امر باید بخشی از اصلاحاتی باشد که در چارچوب بازسازی صنایع صورت می‌گیرد. در این زمینه قوانین و مقرراتی وجود دارد که مشکل‌آفرین هستند و با زمان منطبق نیستند و باید اصلاح شوند.

برخی از نهادها، ارگان‌ها و سازمان‌ها نیز مانند نظام بانکداری و بیمه باید شرایط کاری خود را اصلاح کنند و در خدمت صنعت قرار گیرند. مسایل یادشده باعث کندی کار صنایع شده و

عاملی است تا مانع ورود سرمایه جدید به صنعت کشور می‌شود.

این موارد در واحدهای صنعتی مطرح است و ایجاد می‌کند صنایع هر چه زودتر و جدی‌تر باسازی شود تا صنعت ایران به بازارهای جهانی دسترسی پیدا کند.

بازسازی نظام آموزش عالی، آموزش فنی حرفه‌ای، حمل و نقل، تأمین انرژی و... نیز باید منطبق بر نیاز روز صنعت صورت گیرد.

■ برای بازسازی صنعت کشور، آیا

باید تقسیم‌بندی خاصی صورت گیرد؟

□ بازسازی صنایع ایران که قرار است به زودی آغاز شود، باید به جنبه‌های ذکر شده توجه دقیق داشته باشد. این صنایع برای بازسازی به چند دسته تقسیم می‌شود:

۱- دسته‌ای از صنایع کشور که ناگزیر باید به حال خود رها شوند. آنها صنایعی هستند که درخور بازسازی نیستند، زیرا بازار محصول ندارند و تولیدات آنها امروزه مشتری ندارد. این صنایع باید کمک شوند تا خط تولیدشان تغییر کند. به عوض آنکه به این صنایع یارانه، وام، کمک و تسهیلات داده شود تا همان محصول قبل را تولید کنند، باید به سوی تغییر خط تولید راهنمایی شوند.

۲- دسته‌ای از صنایع هستند که محصول آنها «روایی» دارد و حتی جهان‌روا است و اگر بازسازی فناوری در آنها صورت گیرد، می‌توانند به راحتی بازار را به دست آورند. تعداد این صنایع بسیار زیاد است و شاید بتوان

گفت بخش عمده صنایع ایران نیاز به بازسازی و نوسازی فناوری دارند که این امر گاهی مستلزم ماشین آلات و فناوری دانش فنی جدید است. در چارچوب برنامه بازسازی، باید این صنایع در هر رشته مشخص و برای به اجرا درآوردن برنامه‌های بازسازی به آنها کمک شود. در این زمینه به مؤسسات مشاوره‌ای بسیار معتبر و درستکار نیاز مبرمی خواهد بود تا بتوانند به یک یک واحدهای صنعتی در چارچوب بازسازی، خدمات لازم را ارائه دهند.

۳- دسته دیگر صنایعی هستند که ساختار مالی آنها عیب دارد. این صنایع از نظر فناوری و بازار محصول مشکل ندارند، اما ساختار مالی آنان معیوب است. این گونه صنایع باید با کمک مشاوران مالی و مهندسی مالی، مشکلات خود را مشخص و ساختار مالی خود را اصلاح کنند. این اصلاحات می‌تواند در تغییر شکل حقوقی شرکت، سرمایه‌گذاری سهامداران در شرکت و اتکاء کمتر به وام‌های گران قیمت و... صورت گیرد.

۴- دسته‌ای از صنایع نیز وجود دارند که فقط باید با توجه به بازارهای صادراتی بازسازی شوند. این واحدها باید در برنامه نوسازی صنایع کشور مشخص شوند. می‌توان انتظار داشت که برخی از این واحدها فقط برای بازارهای بین‌المللی تولید کنند. اگر این گونه واحدها در

چارچوب بازسازی کشف شوند، باید امکانات لازم در زمینه‌های مدیریتی، مالی، فناوری و بازاریابی به آنان داده شود تا بتوانند کالای تولیدی خود را به بازارهای بین‌المللی صادر کنند. تشخیص این گروه از صنایع از اهمیت زیادی برخوردار است.

■ **دوران بازسازی صنایع چقدر باید باشد و چه تأثیراتی خواهد داشت؟**

□ دوره بازسازی صنایع ایران حداقل باید ۱۰ سال باشد. در طول این مدت اتفاقاتی رخ خواهد داد، از جمله:

- **موضوع اشتغال:**

یکی از آثاری که در بازسازی صنعتی ایران مشاهده خواهد شد، اضافه نیروی کار است. اضافه نیروی کار یکی از آثار بازسازی است. برای اضافه نیروی کار باید یک برنامه دقیق طراحی شود تا بازسازی به راحتی انجام شود. وگرنه موضوع نیروی کار مازاد مانع اصلی بازسازی خواهد بود.

اگر برای نیروی کار مازاد چتر حمایتی درست نکنیم، برنامه بازسازی انجام نخواهد شد. این امر با توجه به ذهنیت و روحیه‌ای است که دولت نسبت به نیروی کار دارد.

گهگاه دیده شده که دولت مسایلی چون کارآیی، صادرات، ارزش افزوده و... را فدای حفظ نیروی کار می‌کند. این علاقه مفرط به حفظ نیروی کار، ایجاب می‌کند چاره‌ای دیگر اندیشیده شود، نه آنکه صنعت را همچنان با نیروی کار مازاد و فاقد صلاحیت فنی و کارآیی حفظ کرد.

هزینه حمایت از نیروی کار باید از دوش واحدهای صنعتی برداشته شود و جامعه آن را تقبل کند. بخشی از این

هزینه باید توسط دولت تأمین شود. دولت باید هزینه‌های بازآموزی را تقبل کند تا نیروی کار مازاد بار دیگر آموزش ببیند و با دست یافتن به آموزش‌های جدید، توانایی اشتغال در شرکت‌ها و واحدهای دیگر را به دست آورد، تا مرحله گذار به راحتی طی شود. البته صندوق بیمه بیکاری نیز باید تقویت شود تا جابجایی نیروی کار مازاد در جهت بازسازی باشد.

نیروی کار مازاد باید بتواند با اطمینان خاطر برای مدت معقول از بیمه بیکاری استفاده کند و هم‌زمان آموزش‌های لازم را ببیند تا از بازار کار خارج نشود.

- **آشکار شدن مزیت‌های نسبی و رقابتی در صنعت کشور:**

جنبه دیگری که برنامه بازسازی خواهد داشت، آشکار شدن مزیت‌های نسبی و رقابتی در بخش صنعت کشور است که این امر بسیار مفید و مؤثر خواهد بود اگر برنامه بازسازی با جامعیتی که در مورد آن صحبت شد، اجرا شود، تعدادی از رشته‌ها، کالاها و محصولات در جهت کشف مزیت، بارز خواهند شد.

کشف این مزیت‌ها باعث می‌شود که بازسازی صنایع دارای مزیت در الویت قرار گیرد و بتوان از این مزیت‌ها در جهت ورود به بازارهای جهانی هر چه بیشتر استفاده کرد.

روی دیگر سکه آن است که تعدادی از واحدهای صنعتی که به طور طبیعی در بازارهای داخلی در مقابل رقبای خارجی در بازارهای بین‌المللی فاقد مزیت نسبی هستند، ناچار تغییر خط تولید و تغییر مسیر می‌دهند و یا از دور تولید خارج می‌شوند. این امر از نظر

کارایی اقتصادی در سطح کلان بسیار مفید خواهد بود، زیرا صنعتی که نتواند محصول خود را به فروش رساند و سود نداشته باشد، منابع اقتصادی را تلف می‌کند. برنامه بازسازی باید جلوی این گونه اتلاف منابع را بگیرد.

- قیمت:

از لحاظ قیمت و تغییراتی که در قیمت محصولات واحدهای صنعتی پس از بازسازی به وجود خواهد آمد، هیچ نوع پیش‌بینی متصور نیست. زیرا بستگی به این دارد که ترکیب عوامل تولید واحدهای بازسازی شده چگونه باشد. باید دید این واحدها پس از بازسازی تا چه میزان روی عامل «سرمایه» و تا چه قدر روی عامل «نیروی کار» متکی خواهند بود. این امر به میزان کارایی این دو مقوله بستگی دارد. اگر بتوان کارایی آنها را مشخص کرد، در مورد قیمت نیز می‌توان به تصوراتی دست یافت.

اگر بخواهیم از واحدهای صنعتی ایده بگیریم، باید به دنبال تابع تولید متکی به سرمایه که ماشین‌آلات است، باشیم. در این زمینه توجه به این موارد که سرمایه چگونه تأمین خواهد شد. چه میزان از این سرمایه از منابع آورده سهامداران و چه قدر از وام بانکی گران‌قیمت تأمین خواهد شد. ضروری است و لذا نمی‌توان گفت که قیمت تمام شده محصول به خاطر تکیه روی عامل سرمایه چه قدر تغییر خواهد کرد و قبل از ارزیابی دقیق در این زمینه مقذور نیست.

قضاوت روی قیمت تمام شده محصول منوط به انجام بازسازی و تولید محصول و تعیین قیمت تمام شده جدید خواهد بود.

■ در زمینه مراحل واگذاری واحدهای صنعتی از سوی دولت چه نظری دارید؟

□ اگر یک واحد صنعتی دولتی سودآور نباشد و واگذاری آن به بخش غیردولتی مستلزم سودآور کردن آن واحد باشد، این امر یک موضوع محال است. در هیچ جای جهان چنین امری اتفاق نیفتاده است که دولت منابع گزافی به شرکت‌های دولتی تزریق کند و پس از رسیدن آن به مرحله سودآوری، واحد را به بخش خصوصی واگذار کند.

برخی واحدهای صنعتی به دلایل مختلف زیست‌مند نیستند، پس وقتی یک واحد زیست‌مند نباشد، چگونه می‌توان در آن هزینه کرد و سپس با شرط سودآوری آن را واگذار کرد؟

واحدهای واگذاری باید با کیفیت موجودشان واگذار شوند، زیرا به صلاح دولت نیست که منابع خود را صرف بازسازی این گونه صنایع کند. باید صنایع به قیمت روز به فروش رسد و خریدار آن را بازسازی و احیا کند.

■ کشورهای باتجربه در امر بازسازی چه نوع صنایعی را بازسازی کرده‌اند؟ این صنایع صادرات‌گرا بوده یا برای رفع نیازهای بازار داخلی بوده است؟

!! تجربه‌های جامع در این زمینه وجود دارد. یکی از بهترین تجربه‌ها که با کمک سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو) برای یک کشور صورت گرفت، تجربه‌ای ارزشمند بود که تمامی صنایع در تمام رشته‌ها مورد مطالعه قرار گرفت.

در این بررسی جامع، نحوه بازسازی در هر رشته تجویز و برای هر رشته از صنعت یک نسخه منقل پیچیده شده

است. در این بررسی مشخص شده است که برخی رشته‌ها می‌توانند خاص بازار جهانی باشند و برخی دیگر خاص بازار داخلی و هر کدام از این رشته‌ها با دید خاص خود مورد بازسازی قرار گرفت.

در این بررسی همچنین برخی رشته‌ها به دلیل اینکه زیست‌مندی ندارند، به حال خود رها شدند، البته توصیه‌های لازم برای ادامه حیات در بازار به آنها شد. در ایران نیز باید بازسازی با دیدگاه «رشته‌ای» صورت گیرد و نباید یک نسخه جامع برای همه صنایع پیچید.

در بازسازی صنعتی ایران، رشته‌ها باید به دقت مشخص شود و مورد بررسی دقیق قرار گیرد و با کمک دست‌اندرکاران این رشته‌ها بازسازی شود. بازسازی صنایع در ایران نباید یک کار دولتی تلقی شود، بلکه دولت باید در زمینه بازسازی، بسترسازی کند و کمک‌هایی که در جهت بازسازی می‌تواند انجام شود را معین نماید. آن وقت بازسازی صورت گیرد.

■ به نظر شما چه صنایعی باید بازسازی شود؟

! صنایعی که توان تأمین هزینه‌های ارزی خود را داشته باشند، باید بازسازی شوند. با این راهبرد باید صنایعی که ارزآور هستند، بازسازی شوند. این صنایع اگر بازسازی شوند، می‌توانند با کسب درآمد ارزی به بخش صنعت کمک کنند.

■ برای چنین هدفی کدام رشته از صنعت برای بازسازی اولویت دارد؟

□ صنایع تبدیلی کشاورزی باید در اولویت قرار گیرد. صنایع تبدیلی کشاورزی ایران بسیار کم توسعه پیدا کرده‌اند و قسمت عمده بخش کشاورزی

کشور به زنجیره صنعت متصل نیست و در حالت تازه‌خوری باقی می‌ماند، بدون آنکه عمل‌آوری صنعتی روی آن انجام گیرد.

موضوع خوراک در سطح جهان از اهمیت زیادی برخوردار است و تقاضا برای آن همیشه وجود دارد. با وجود آنکه در این بخش ایران رقبای بزرگی چون چین را در صحنه جهانی دارد، نباید نگران شد، بلکه باید این گونه صنایع را تحت یک رژیم خاص بازسازی قرار داد. در ضمن برنامه بازسازی باید رشته‌هایی از صنایع تبدیلی که هنوز در ایران ایجاد نشده است را مشخص کرد تا در آنها سرمایه‌گذاری شود.

بازسازی صنایع تبدیلی کشاورزی و ایجاد صناعی در این رشته که هنوز در ایران پدید نیامده، امری ضروری است و بخش باغداری، باغبانی، دامپروری و کشاورزی را از رکود نجات می‌دهد.

بازسازی این گونه صنایع ایجاد اشتغال بسیار زیادی خواهد کرد که این امر جزو اولویت‌های اقتصادی کشور است. سرمایه‌گذاری در صنایع تبدیلی کشاورزی که پیش‌تر در ایران ایجاد نشده، جزو زمینه‌های بکری است که باید به آن پرداخته شود. اما در طرح ضربتی اشتغال، همواره تأکید بر واحدهای موجود است که باید بر نیروی کاری‌شان بیفزایند، در حالی که جنبه‌های بازسازی در احداث صنایع تبدیلی از اهمیت زیادی برخوردار است و از امکانات بانکی و دولتی نیز باید در ایجاد آن استفاده شود.

بخش دیگری از صنعت که باید در چارچوب بازسازی و سرمایه‌گذاری قرار گیرد. صنایع یا خدمات مربوط به فناوری اطلاعات است.

فناوری اطلاعات زمینه بسیار جالبی است که تا حدودی بدون کمک و

حمایت دولت و بر مبنای توان علمی نسل جوان پیشرفت کرده است. اگر فعالیت‌های انجام شده در بخش فناوری اطلاعات به بنگاه‌های عمده خریدار این محصول در بازارهای جهانی متصل شود، زمینه‌ساز تحول اساسی در بخش صنعت و به‌طور کلی اقتصاد کشور از دیدگاه صادراتی خواهد بود.

هندوستان در این زمینه پیشرفت‌های چشمگیری داشته است و ایالت بنگلور هندوستان امروز از این راه سالانه حدود ۶ میلیارد دلار درآمد صادراتی دارد. ایران نیز در این زمینه با برنامه‌ریزی صحیح می‌تواند فعال‌تر عمل کند.

فعالان این بخش باید زیر چتر حمایت و عنایت دولت قرار گیرند تا بتوانند به بازارهای جهانی دسترسی پیدا کنند. البته امروزه تا حدودی به بازارهای جهانی دسترسی پیدا شده است، اما این دسترسی باید شفاف‌تر و گسترده‌تر باشد.

■ **آیا برای پیوستن به سازمان جهانی تجارت (WTO) ضرورت بازسازی نباید سرعت بیشتری بگیرد؟**

□ همان‌طور که اشاره شد، حدود ۳۰ سال است که ضرورت بازسازی صنایع ایران مطرح است. پیش از آنکه نامی از سازمان جهانی تجارت سر زبان‌ها باشد، بحث بازسازی صنایع از سوی دلسوزان اقتصاد و صنعت کشور بارها مطرح شده است. اکنون نیز که بحث بازسازی مطرح است و باید صورت گیرد، تنها به دلیل پیوستن به سازمان جهانی تجارت نیست، اما بازسازی صنایع در الحاق به سازمان جهانی تجارت بسیار مؤثر خواهد بود.

اگر اقتصاد کشور بخواهد با الزامات سازمان جهانی تجارت منطبق باشد، سرعت بازسازی باید بیشتر شود. اما اگر

بازسازی صنعتی نخواهد با الزامات این سازمان منطبق باشد، زمان آن می‌تواند ۱۰ سال به طول انجامد.

به طور کلی نجات صنعت کشور در بازسازی آن نهفته است و باید به سرعت انجام پذیرد تا الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت با ضرر کمتر انجام گیرد. برای سازمان جهانی تجارت بازسازی صنعت ایران اهمیت ندارد، اگر بازسازی صورت گیرد، هزینه الحاق بسیار کمتر خواهد بود. اما اگر بازسازی صنعتی صورت نگرفته باشد، در اثر تهاجم تجاری ناشی از عضویت در سازمان جهانی تجارت، صنایع ایران در معرض آسیب‌های جدی قرار خواهند گرفت و فرصتی برای بازسازی نخواهیم داشت.

■ **نقش سرمایه خارجی در بازسازی صنایع کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

□ اصولاً بازسازی صنایع ایران بدون مشارکت فناوری و سرمایه‌های خارجی متعنع است. در بسیاری از صنایع به نفع کشور است که از سرمایه خارجی به معنای ماشین‌آلات، فناوری و دانش فنی استفاده شود. صنایعی که تولید آنها برای صادرات اختصاص می‌یابد، باید به فناوری بنگاه‌های مقتدر در سطح جهان دسترسی داشته باشد.

حتی استفاده از نام تجاری در این گونه تولیدات، می‌تواند بازارهای جهانی را به روی کالاهای تولیدی در ایران بگشاید. به طور خلاصه باید اشاره شود که بازسازی صنایع باید بخشی عمده از تأکید و توجه خود را روی بسترسازی برای جلب مشارکت خارجی قرار دهد.